

اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان

احمد حاجی ده‌آبادی*
امیر اعتمادی**

چکیده

جرم تهدید صرف، هنگامی که با مطرح کردن تقاضایی توأم می‌شود، زیر عنوان اخاذی قابل بررسی است. در جرم اخاذی، به‌رغم اینکه رسیدن به خواسته از سوی مرتکب، شرط تحقق جرم نیست، اما تقارن تهدید با تقاضای مطرح‌شده، وضعیت روانی بزه دیده را به شدت مشوش ساخته و باعث پریشانی خاطر و هراس او می‌گردد. بر این اساس، مقابله سنجیده با این جرم امری ضروری است. با این وجود، بررسی رویکرد دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در قبال جرم اخاذی، حاکی از آن است که در سیاست کیفری قانون‌گذار ایران، در مقایسه با قانون‌گذار انگلیسی، نواقصی وجود دارد. یکی از این نواقص، عدم استقلال عنصر قانونی جرم اخاذی است، که خود ممکن است منجر به اختلاف نظر شود. از این رو، در مقاله حاضر سعی شده است تا با تحلیل عنصر مادی و عنصر روانی جرم اخاذی در دو نظام حقوقی یادشده، راهکارهایی برای رفع نواقص رویکرد قانون‌گذار ایران پیشنهاد گردد، از قبیل در نظر گرفتن ماده قانونی مستقلی برای جرم اخاذی و گسترش شمول قلمرو موضوعی تهدید.

واژه‌های کلیدی: تقاضا، تهدید، هراس بزه دیده، اخاذی.

* دانشیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران Adehabadi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

Am.etemadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۴

۱. مقدمه

در جرم اخاذی آنچه بیشتر مورد تعرض قرار می‌گیرد، وضعیت روانی بزه دیده است، چراکه تهدیدات مرتکب جرم باعث نگرانی و آشفتگی خاطر او می‌شود، و در نتیجه، بزه دیده از حالت تعادل خارج می‌گردد. با این وجود، از آنجا که فرد اخاذی کننده، همراه با تهدید، درخواستی اغلب مالی را مطرح می‌سازد، مسائل مالی نیز در این رابطه قابل توجه است، به نحوی که در نظام حقوقی انگلستان، اخاذی در قانون سرقت ۱۹۶۸ مورد توجه قانون‌گذار انگلیسی قرار گرفته است. با این همه، با توجه به اینکه این امر در درجه دوم اهمیت قرار دارد، به معنای واقعی کلمه نمی‌توان گفت که جرم اخاذی در شمار جرایم مالی قرار می‌گیرد. از این رو، این جرم را می‌توان به منزله تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص قلمداد کرد. در جهت تقویت این مطلب، باید متذکر شد که در بسیاری از موارد، تقاضای فرد اخاذی کننده اجابت نمی‌شود، و صرفاً وانمود می‌شود که درخواست او در حال انجام است، تا بدین وسیله از آثار سوء ناشی از عدم اجابت آن جلوگیری شود.

با توجه به مطلب اشاره شده، روشن است که فشارهای ناشی از این جرم قابل توجه است، و در مواردی، مرتکب افزون بر پریشانی خاطر بزه دیده، مالی را نیز از او تحصیل می‌کند؛ البته، به صورت غیرقانونی و به ناحق. بنابراین، ضروری است که قانون‌گذار در رابطه با اخاذی سیاست کیفری سنجیده‌ای را اتخاذ کند؛ امری که با بررسی قانون مجازات کشور مشاهده نمی‌شود. توضیح اینکه، با وضعیت کنونی چه بسا حتی در مورد ماده قانونی تشکیل دهنده عنصر قانونی جرم اخاذی اختلاف نظر به وجود آید. این موضوع از مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان نیز قابل برداشت است، چراکه قانون‌گذار انگلیسی، اخاذی را به صورت خاص و به طور مستقل مورد جرم انگاری قرار داده است، تا مقابله مؤثر با مرتکبین این جرم فراهم آید.

با امعان نظر به توضیحات یاد شده و با پذیرش این دیدگاه که عمل تهدید می‌تواند به عنوان جزئی از سایر جرایم مدنظر قرار گیرد، مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

عنصر قانونی جرم اخاذی در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، را کدام ماده قانونی تشکیل می‌دهد؟ عناصر مادی و روانی این جرم در نظام‌های حقوقی یادشده از چه اجزائی تشکیل شده‌اند؟ وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی چه مواردی می‌باشند؟ بررسی تطبیقی جرم اخاذی، چه راهکارهایی برای اصلاح رویکرد قانون‌گذار ایرانی به دست می‌دهد؟

در پاسخ به سؤالات یادشده، بعد از تعریف اخاذی و اشاره‌ای به سابقه تقنینی آن، عناصر این جرم را مورد تحلیل قرار داده و نهایتاً با ذکر وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی، در مقام نتیجه‌گیری و ارائه راهکار برمی‌آییم.

۲. تعریف اخاذی^۲

واژه اخاذی در لغت به معنای با فشار و تهدید یا حيله و فریب از دیگران پول گرفتن آمده است (ر.ک. انوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۸/۱). در اصطلاح، در تعریف اخاذی گفته شده است: «تقاضای تهدیدآمیزی که بدون داشتن دلیل موجهی مطرح شود» (Garner et al, 2009: 192). همچنین از اخاذی در معنای گرفتن غیرقانونی چیز ارزشمندی از دیگری با تهدید به خشونت یا سایر اعمال قهرآمیز یاد شده است (See Ellis Wild, 2006: 139).

با توجه به معانی اشاره‌شده، روشن است که در جرم اخاذی، مرتکب به طریق غیرقانونی و با استفاده از تهدید تلاش می‌کند چیزی را تحصیل کند، و در مواردی، به مقصود خویش نائل می‌شود. با این حال، ناگفته نماند که مفاهیم مذکور صرفاً جهت تبیین اولیه واژه اخاذی می‌توانند مدنظر قرار گیرند. به دیگر سخن، تعریف هر جرمی وابسته به عنصر قانونی آن است، و در هر نظام حقوقی، تعریف خاص خود را دارا است، به نحوی که ممکن است با تعاریف ذکرشده متفاوت باشد. با وجود این، با در نظر گرفتن همین تعاریف، می‌توان به تفاوت جرم اخاذی با برخی دیگر از عناوین مجرمانه مشابه پی برد؛ از جمله سرقت مقرون به آزار^۳ (موضوع ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵)، ربودنی که سرقت نیست (مذکور در ماده ۶۶۵ «ق.ت» ۱۳۷۵) یا تهدید^۴ (که ماده ۶۶۹

«ق.ت» ۱۳۷۵، علاوه بر اخاذی، این جرم را نیز شامل می‌شود. در اینجا، قبل از پرداختن به تحلیل جرم اخاذی، تفاوت‌های این عناوین مجرمانه را با اخاذی یادآور می‌شویم:

اولاً، همان‌طور که از تعاریف برمی‌آید، مطرح کردن تقاضا همراه با تهدید، اجزاء اصلی جرم اخاذی هستند. بدین ترتیب، در جرایمی که لازمه تحقق آن‌ها «ربودن» چیزی است، اعم از اینکه با لحاظ سایر شرایط عنوان سرقت را به خود بگیرند یا مشمول ماده ۶۶۵ «ق.ت» ۱۳۷۵ شوند، اجزاء یادشده، به‌صورت توأمان متصور نیستند. به‌عبارت‌دیگر، هرچند که عمل ربودن، ممکن است توأم با تهدید باشد، اما در هر حال، مطرح کردن تقاضایی در کار نیست. بنابراین، در مواردی که ربودن محقق می‌گردد، جرم اخاذی متصور نیست.

ثانیاً، در جرم تهدید یا آن دسته از جرایمی که اعمال‌عنف و خشونت در آن‌ها (برای تحصیل چیزی از قبیل مال)، لازمه تحقق جرم به شمار می‌رود، بازم، یکی از اجزاء جرم اخاذی وجود ندارد. بدین توضیح که در جرم تهدید، نیازی به مطرح کردن تقاضا از سوی مرتکب نیست و در جرایم مستلزم اعمال‌عنف و خشونت هم، مرتکب پا را از مرحله تهدید فراتر گذاشته و عملاً متوسل به اعمال قهرآمیز می‌شود؛ لذا نه تنها طرح تقاضایی در کار نیست و مرتکب با اعمال‌عنف، سعی در رسیدن به خواسته خود دارد، بلکه تهدید هم به مرحله عمل رسیده است.^۵

ثالثاً: در جرم اخاذی، در مواردی که مرتکب به خواسته خود می‌رسد، خود بزه دیده تقاضای او را اجابت می‌کند (هرچند در اثر تهدیدات مرتکب)؛ مثل اینکه مالی را به وی تسلیم می‌دارد. این در حالی است که در جرایم سابق‌الذکر، که مال یا چیز دیگری تحصیل می‌شود، مرتکب، آن را از بزه دیده ربوده یا با توسل به‌عنف اخذ می‌کند، نه اینکه بزه دیده با دست خود، مال یا چیز دیگر را به او تسلیم دارد.^۶

۳. پیشینه قانون‌گذاری

با توجه به اینکه کنکاش در سابقه تقنینی مقررات جاری می‌تواند نواقص آن‌ها را

تا اندازه‌ای آشکار سازد، در اینجا، پیشینه قانون‌گذاری اخاذی در حقوق ایران و انگلستان را به ترتیب بررسی می‌کنیم:

در ایران، جرم اخاذی، نخست به‌نوعی در قالب ماده ۲۳۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مورد توجه قانون‌گذار وقت قرار گرفت. در این ماده مقرر شده بود: «هر کس به‌وسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و جزای شروع به این عمل حبس تأدیبی از یک ماه تا شش ماه است»؛

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس این ماده شرط تحقق جرم آن بوده که مرتکب به خواسته خود (یعنی تحصیل وجه نقد یا چیز دیگری) برسد. در ماده ۲۳۵ قانون مزبور هم، اخاذی از طریق تهدید کتبی مدنظر قرار گرفته بود. این ماده، صرف مطرح کردن تقاضای توأم با تهدید را برای تحقق جرم کافی می‌دانست. همچنین ماده ۲۳۵، ضمن اینکه مصادیق تهدید را به قید حصر تعیین کرده بود، برحسب اینکه موضوع تهدید قتل می‌بود یا سایر مصادیق تهدید، مجازات متفاوتی را برای مرتکب در نظر گرفته بود.^۷

بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و با تصویب قانون تعزیرات ۱۳۶۲، مفاد ماده ۲۳۴ «ق.م.ع» ۱۳۰۴ حذف شد. اما ماده ۱۱۳ قانون جدید، به‌نوعی مفاد ماده ۲۳۵ «ق.م.ع» ۱۳۰۴ را در خود جای داد. البته با این تفاوت که تعیین مجازات برحسب موضوع تهدید و جمله «نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف است» (به‌عنوان یکی از مصادیق تهدید) حذف گردید؛ ضمن اینکه عبارت «نسبت به خود یا بستگان» بجای واژه «شخصی» در ماده سابق (به‌عنوان مخاطب تهدید) به ماده قانونی اضافه شد و طریق تهدید نیز گستره وسیعی را پیدا کرد، چراکه قانون‌گذار به‌جای عبارت «کتباً با امضاء یا بدون امضاء»، از اصطلاح «به هر نحوه» استفاده کرد.^۸

سرانجام در سال ۱۳۷۵، با تصویب کتاب پنجم قانون مجازات زیر عنوان «تعزیرات و مجازات بازدارنده»، مفاد ماده ۱۱۳ یادشده، عیناً در قالب ماده ۶۶۹ جای گرفت و حتی نوع و میزان مجازات تغییری نکرد؛ البته «ضررهای مالی» به‌عنوان یکی دیگر از مصادیق حصری تهدید در کنار سایر مصادیق آورده شد.

در انگلستان هم علی‌رغم اینکه نظام حقوقی این کشور مبتنی بر کامن‌لا^۹ است، با این وجود، نقایص کامن‌لا^{۱۰} موجب شده است که قانون‌گذار انگلیسی، در رابطه با بسیاری از جرایم، از جمله جرم اخاذی، به تدوین قانون نوشته نیز توجه کند. بر این اساس، جرم انگاری اخاذی در ماده ۱۱^{۱۱} «قانون سرقت سال ۱۹۶۸»^{۱۲} متبلور شده است. این قانون که در ۱۹۹۶ اصلاحاتی را به خود دیده است^{۱۳}، در رابطه با جرم مزبور بدون تغییر باقی مانده است. به عبارت دیگر، اصلاحات یادشده مربوط به دیگر بخش‌های قانون بوده و معطوف به جرم اخاذی نبوده‌اند.

البته در نظام حقوقی انگلستان، علاوه بر قانون یادشده، برخی از آراء دادگاه‌ها نیز در مورد جرم اخاذی حائز اهمیت می‌باشند. با این توضیح که در رابطه با بعضی ابهامات قانونی، آراء یادشده مورد استناد قرار می‌گیرند؛ لذا در نظام حقوقی این کشور، لازم است که قانون سرقت ۱۹۶۸ به همراه آراء مربوطه توأمان مورد توجه قرار گیرند.

۴. عنصر قانونی^{۱۴} جرم اخاذی

نظر به اینکه عنصر قانونی جرم در واقع ترجمانی است از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات^{۱۵} و بحث از دیگر عناصر جرم، به این عنصر وابسته است، در ادامه ماده قانونی‌ای که معرف عنصر قانونی جرم اخاذی در هر یک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان است، را بررسی می‌کنیم.

قانون‌گذار ایران، اخاذی را به صورت مستقلاً جرم انگاری نکرده است، باین وجود، ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵ به نوعی این جرم را هم شامل می‌شود. در این ماده مقرر شده است:

«هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد»؛

در رابطه با این ماده قانونی، ذکر مطالبی ضروری است:

اولاً: این ماده زمانی جرم اخاذی را تحت پوشش قرار می‌دهد که مرتکب، علاوه بر تهدید، تقاضایی را هم مطرح کند و بدین نحو، تهدید در مقابل تقاضای مطرح‌شده قرار بگیرد؛ در غیر این صورت، عمل مجرمانه متهم با عنوان تهدید صرف (با توجه به همین ماده) قابل پیگرد است، نه اخاذی.

ثانیاً: علی‌رغم تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با توجه به اینکه ماده قانونی فوق‌الذکر در قانون دائمی تعزیرات آمده است و با در نظر گرفتن تبصره ۴ از ماده ۱۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، نه تنها مفاد ماده قانونی به قوت خود باقی است، بلکه میزان مجازات مربوطه نیز تغییری نمی‌کند؛ هرچند که در رابطه با موضوعاتی مانند آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات یا تعویق صدور حکم، مجازات مقرر در ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵، با لحاظ تبصره‌های ۲ و ۳ از ماده ۱۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، تعزیر از درجه ۶ محسوب می‌شود. در برابر رویکرد قانون‌گذار ایران، لازم است به رویکرد قانون‌گذار انگلیسی توجه کرد. قبل از آن باید متذکر شد که اگرچه حقوقدانان انگلیسی در بحث از جرایم مختلف، عنصر قانونی جرم را به‌عنوان عنصر مستقلی مطرح نکرده و در مباحث مقدماتی و تبیین اجزاء مختلف عناصر مادی و روانی، حسب مورد تمام یا بخشی از آن را مورد استناد قرار می‌دهند، با این وجود، با امعان نظر به اینکه شرح تمامی ارکان جرم وابسته به عنصر قانونی آن است، لازم دانسته شده است که این عنصر به‌صورت مجزا آورده شده و سپس به بررسی اجزاء تشکیل‌دهنده جرم پرداخته شود. قانون‌گذار انگلیسی در بند ۱ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۱۶} اعلام داشته است:

«شخص مقصر به اخاذی است، اگر به‌منظور کسب سود برای خود یا دیگری یا با قصد ایراد ضرر به غیر، هرگونه تقاضای غیرمجاز توأم با تهدیدی را مطرح کند؛ و در این راستا، تقاضای توأم با تهدید، غیرمجاز تلقی می‌شود، مگر اینکه شخص تقاضاکننده، آن را با این اعتقاد انجام دهد: الف) که دلایل موجهی را برای مطرح کردن تقاضا دارا است؛ ب) که استفاده از تهدید، وسیله مناسبی برای تحکیم بخشیدن به تقاضا است»؛^{۱۷}

بند ۲ این ماده به ویژگی فعل یا ترک فعل مورد تقاضا پرداخته، و در بند ۳ هم میزان مجازات جرم تعیین شده است، که حسب مورد در مباحث بعدی به هر یک از

آن‌ها اشاره می‌شود.

۵. عنصر مادی^{۱۸} جرم اخاذی

اجزاء تشکیل‌دهنده عنصر مادی جرم عبارت‌اند از: رفتار فیزیکی^{۱۹}، شرایط لازم برای تحقق جرم^{۲۰}، نتیجه^{۲۱} و رابطه سببیت^{۲۲}؛ که لازم است میان جزء اول و جزء سوم برقرار باشد. در پاره‌ای از جرایم، جزء نتیجه ضروری نبوده و صرف ارتکاب عامدانه رفتار فیزیکی، با وجود سایر شرایط موجب تحقق جرم خواهد بود؛ این دسته از جرایم، جرایم مطلق^{۲۳} نامیده می‌شوند. در مقابل می‌توان از جرایم مقید^{۲۴} یاد کرد که کامل شدن جرم منوط به تحقق نتیجه مجرمانه است. با توجه به این توضیحات، در ادامه به بررسی اجزاء عنصر مادی جرم اخاذی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌پردازیم. قبل از آن، باید متذکر این مطلب شد که با توجه به ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵ (در حقوق ایران) و ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸ (در حقوق انگلستان)، جرم اخاذی از جرایم مطلق محسوب می‌شود؛ چراکه قانون‌گذاران ایران و انگلستان، صرف ارتکاب رفتار مجرمانه را برای تحقق جرم کافی دانسته‌اند، و لذا حصول نتیجه از این رفتار ضروری نیست. به‌هرحال، در حقوق ایران، رفتار فیزیکی جرم اخاذی و شرایط لازم برای تحقق آن با توجه به ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵ قابل تبیین هستند و در حقوق انگلستان نیز موارد یادشده با توجه به بندهای ۱ و ۲ قانون سرقت ۱۹۶۸ قابل بررسی می‌باشند که در ذیل به تحلیل هر یک از این دو جزء می‌پردازیم:

۵.۱ رفتار فیزیکی

برای تحقق اخاذی، «تهدید کردن» به‌عنوان رفتار فیزیکی جرم، اجتناب‌ناپذیر است. این عمل که به معنای ترساندن عمدی کسی از تنبیه، آزار یا امری ناخوشایند آمده است (ر.ک. انوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۶۳)، از لحاظ چگونگی انجام، محدوده معینی ندارد و به طرق مختلفی مانند تهدید شفاهی یا کتبی محقق می‌گردد. علت این موضوع آن است که در ابتدای ماده ۶۶۹، عبارت «به هر نحو» بکار رفته است، که قلمرو وسیعی دارد و منحصر به طریق معینی نیست.

همچنین، وسیله تهدید دارای اهمیت نیست، اما اگر مرتکب با استفاده از تلفن دیگری را تهدید کند و عنوان مزاحمت تلفنی نیز صدق کند، مشمول قاعده تعدد معنوی است. علت این امر را باید در ماده ۶۴۱ «ق.ت» ۱۳۷۵ و ماده ۱۳۱ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ جستجو کرد؛ زیرا فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد است که در این حالت، مجازات اشد اعمال می‌گردد.

افزون بر عمل تهدید، برای جرم اخاذی، طرح تقاضا نیز ضروری است. بر این مبنا باید گفت که جرم مورد بحث، از جرایم مرکب^{۲۵} قلمداد می‌گردد، زیرا صرف تهدید با لحاظ سایر شرایط می‌تواند عنوان مجرمانه مستقلی را دارا باشد (ر.ک. توضیحات اشاره در عنصر قانونی جرم اخاذی) و برای تحقق جرم اخاذی هر چند لازم، اما کافی نیست. در هر حال، تقاضا در جرم اخاذی اغلب جنبه مالی داشته و مرتکب درصدد تحصیل نامشروع منفعت مالی برمی‌آید. اما موضوع قابل توجه آن است که در مواردی، تهدیدکننده بعد از طرح درخواست خود و امتناع بزه دیده از انجام آن، تهدید خود را عملی می‌کند. در این حالت سؤالی که به ذهن می‌رسد، این است که آیا مورد مشمول قواعد تعدد است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، باید میان اعمال مجرمانه تعزیری و سایر اعمال مجرمانه تفکیک قائل شد: در مواردی که اعمال مجرمانه غیر تعزیری (جرایم موجب حد یا قصاص) از سوی تهدیدکننده ارتکاب می‌یابد، مرتکب، علاوه بر مجازات جرم اخاذی، به مجازات عمل مجرمانه غیر تعزیری نیز محکوم می‌شود (قاعده جمع مجازات، ر.ک. ماده ۱۳۵ «ق.م.ا» ۱۳۹۲). اما در جایی که عمل مجرمانه دوم (تهدید عملی شده)، وصف تعزیری دارد، با لحاظ قسمت نخست ماده ۱۳۴ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، دادگاه برای هر یک از جرایم، حداکثر مجازات مقرر را تعیین می‌کند، و نهایتاً مجازات اشد را به موقع اجرا می‌گذارد. بنابراین، در مورد اول، اگرچه مجازات جمع می‌شود، مرجع رسیدگی‌کننده الزامی به تعیین حداکثر مجازات برای جرم اخاذی ندارد، این در حالی است که، در مورد دوم، تعیین حداکثر مجازات تعزیری الزامی است، ضمن اینکه صرفاً یکی از مجازات (مجازات اشد) قابل اجرا است و قاعده جمع مجازات اعمال نمی‌شود.

در نظام حقوقی انگلستان نیز با توجه به بند ۱ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸،^{۲۶}

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم اخاذی عبارت است از «مطرح کردن تقاضا توأم با تهدید»^{۲۷}؛ این رفتار از دو جزء تشکیل شده است: یکی مطرح کردن تقاضا و دیگری تهدید، که لازم است توأمان واقع گردند. بنابراین، هر یک از آن‌ها را مجزا بررسی می‌کنیم:

اولین جزء رفتار فیزیکی جرم اخاذی آن است که متهم باید تقاضایی را مطرح کرده باشد. این تقاضا ممکن است به صورت صریح یا ضمنی صورت گیرد؛ در صورت اخیر از اوضاع و احوالی نظیر لحن صدای مرتکب^{۲۸} یا اشارات فیزیکی وی^{۲۹}، می‌توان تقاضا بودن را برداشت کرد. البته، باید میان «پیشنهاد»^{۳۰} و «تقاضا»^{۳۱} تفکیک قائل شد؛ زیرا پیشنهاد نمی‌تواند مبنای جرم اخاذی را تشکیل دهد، درحالی‌که تقاضا جزئی از این جرم محسوب می‌شود. به‌طور مثال، جمله «۲۰ پوند به من بده تا زندگی خوبی را برای تو فراهم کنم»، ممکن است به‌عنوان یک پیشنهاد تلقی شود؛ اما در شرایطی می‌تواند تهدید به شمار آید، بدین نحو که تهدید ضمنی‌ای را در برداشته باشد که اگر وجه مربوطه به شخص داده نشود، پیامدهای ناخوشایندی^{۳۲} را به دنبال خواهد داشت (Herring, 2007: 327).

علاوه بر این، مطرح کردن تقاضا ممکن است به‌صورت شفاهی یا کتبی باشد؛ در صورت اخیر در قالب نامه^{۳۳} نیز متصور است. در این راستا، در پرونده تریسی علیه دادستان به سال ۱۹۷۱^{۳۴}، اکثریت اعضای مجلس اعیان^{۳۵} اظهار داشتند که تقاضا کردن به‌وسیله نامه، از طریق پست کردن آن محقق می‌شود؛ و در این رابطه، نرسیدن نامه اهمیتی نداشته و حتی در مواردی که گیرنده آن بی‌سواد^{۳۶} باشد، عمل تقاضا کردن واقع گردیده است. مشابه همین تحلیل را می‌توان در مورد ارسال فکس^{۳۷} و تلکس^{۳۸} متصور داشت؛ بدین معنا که با ارسال کردن هر یک از موارد یادشده، عمل تقاضا محقق می‌شود، صرف‌نظر از اینکه بزه دیده آن را دریافت کرده یا نکرده باشد (Heaton, 2006: 375; Childs, 2005: 105).

در حال، اشاره به این مطلب ضروری است که طبق قسمت نخست بند ۲ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸، ماهیت فعل یا ترک فعل تقاضا شده دارای اهمیت نیست^{۳۹}. همچنین جرم اخاذی، محدود به تقاضاهای مالی نیست، اگرچه این نوع تقاضاها را

می‌توان رایج‌ترین نوع در جرم اخاذی دانست.

جزء دوم رفتار فیزیکی جرم اخاذی عبارت است از «تهدید کردن». این عمل که لازم است توأم با جزء پیش‌گفته (مطرح کردن تقاضا) انجام گیرد، از لحاظ مفهومی در قانون سرقت ۱۹۶۸ مورد تبیین قرار نگرفته است. در همین راستا، در پرونده لورنس و پومروی به سال ۱۹۷۱^{۴۱}، دادگاه تجدیدنظر اعلام داشت که تهدید واژه رایجی است که از هیئت‌منصفه انتظار می‌رود، معنای آن را بدانند و لذا در موارد نادری، تبیین آن از سوی قاضی [برای اعضای هیئت‌منصفه] لازم می‌آید (See Molan, 2008: 587; Card, 2006: 454). با این حال، قاضی پرونده، در دو مورد، باید هیئت‌منصفه را به محقق شدن تهدید رهنمون سازد. این دو مورد با توجه به پرونده‌های گاروود به سال ۱۹۸۷^{۴۱} و کلیور به سال ۱۹۶۸^{۴۲} به‌قرار زیر هستند:

– در جایی که با توجه به اوضاع و احوال معلوم برای متهم، تهدیدات وی بر وضعیت ذهنی یک شخص معمولی برخوردار از ثبات بهنجار^{۴۳} تأثیرگذار است، هرچند که نسبت به مخاطب بی‌اثر باشد. در این حالت، هیئت‌منصفه رهنمون می‌شود که این اندازه عمل، معنای تهدید را محقق ساخته است.

– در حالتی که تهدیدات بر یک شخص معمولی دارای ثبات بهنجار تأثیری ندارد، اما نسبت به بزه دیده مؤثر واقع شده است. در این صورت، قاضی پرونده، باید هیئت‌منصفه را رهنمون کند که اگر متهم از تأثیر احتمالی اعمال خود نسبت به مخاطب آگاه بوده، اثبات محقق شدن عمل تهدید امکان‌پذیر است. یک نمونه برای این مورد، جایی است که متهم علم به حساسیت غیرمتعارف بزه دیده دارد^{۴۴} (Ashworth, 2009: 385; Card, 2006: 454).

موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که عمل تهدید کردن، صرفاً ارباب به اعمال خشونت‌آمیز را در برنمی‌گیرد؛ بلکه ترساندن از هر عمل زیان‌آور^{۴۵} یا ناخوشایندی^{۴۶} را نسبت به شخص مخاطب شامل می‌شود. این قلمرو مفهومی تهدید با توجه به پرونده ترون علیه اتحادیه بازرگانی وسایل نقلیه موتوری به سال ۱۹۳۷^{۴۷}، از سوی دادگاه‌های انگلستان در دعاوی اخاذی مدنظر قرار می‌گیرد (Jefferson, 2009: 649). همچنین با توجه به بند ۲ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۴۸}، تهدید اعم از اینکه به

عملی مربوط شود که از سوی تقاضاکننده انجام می‌گیرد یا دیگری، تفاوتی ندارد، و در هر دو صورت، جرم اخاذی محقق می‌گردد.

۵.۲. شرایط لازم برای تحقق جرم

در حقوق ایران، شرایط لازم برای تحقق جرم اخاذی، از حیث قلمرو موضوعی عمل تهدید، مخاطب تهدید و کیفیت تهدید، قابل بررسی هستند، که به تفکیک اشاره می‌شوند:

از لحاظ قلمرو موضوعی تهدید، بر اساس ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵، عمل تهدید منحصر است به قتل، ضررهای نفسی، شرفی یا مالی و افشای سر. با توجه به این مطلب، علی‌رغم اینکه موارد یادشده (غیر از قتل) مصادیق زیادی را در بر می‌گیرند، مانند انواع مختلفی از اسراری که تهدیدشونده تمایلی به فاش شدن آن‌ها ندارد، باین وجود، در صورتی که تهدید به کیفیت باشد که تهدیدشونده، با یک ضابطه عینی^{۴۹} از اوضاع و احوال استنباط کند که مرتکب در تهدید خود جدیتی ندارد، و لذا تحت تأثیر قرار نگیرد، از شمول ماده خارج است. تبیین مفهومی عناوین ذکرشده را در زیر می‌آوریم:

ضررهای نفسی به معنای هر نوع آسیبی است که در ارتباط با جسم مخاطب تهدید باشد، مانند تهدید به ضرب و شتم. البته، باید متذکر شد که با توجه به استفاده از واژه «قتل» در ماده ۶۶۹، ضررهای نفسی که به طور مستقل ذکر شده‌اند، جان مخاطب را شامل نمی‌شوند و این مورد به قتل اختصاص دارد؛ لذا ضررهای یادشده، لزوماً کمتر از قتل هستند.

ضررهای شرفی، علی‌رغم اینکه دامنه شمول وسیعی دارند (ر.ک. آقائی نیا، ۱۳۸۵: ۱۸۰)، باین حال، باید قائل به آن شد که منظور از این نوع ضررها، آن دسته از لطماتی هستند که متوجه آبروی شخص می‌باشند؛ از جمله شایع کردن این مطلب که مخاطب دارای محکومیت کیفری است یا مدتی را در حبس به سر برده است. بنابراین ضررهای شرفی صرفاً موارد ناموسی را شامل نمی‌شود، بلکه تهدید به هر عملی که آبروی تهدیدشونده را خدشه‌دار کند، در بر می‌گیرد (ر.ک. زراعت، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

ضررهای مالی؛ موضوع این نوع ضررها، مال یا حقوق مالی مخاطب است. نوع مال دارای اهمیت نیست، اما مواردی از قبیل تخریب یا آتش زدن اموال را می‌توان نمونه‌های بارزی از ضررهای مالی قلمداد کرد.

افشاء سر؛ واژه «سر» در معنای آنچه پنهان است یا آنچه نباید دیگران از آن آگاهی یابند، آمده است (ر.ک. انوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۷۷). با توجه به این مطلب، افشاء سر یعنی فاش کردن آنچه دیگری متمایل به مکتوم ماندن آن است.

از حیث مخاطب تهدید، نظر به اینکه قانون‌گذار بعد از ذکر مصادیقی که می‌توانند موضوع تهدید واقع شوند، از عبارت «نسبت به خود یا بستگان» استفاده کرده است، مخاطب تهدید ممکن است خود بزه دیده یا هر یک از بستگان او باشد. منظور از واژه «بستگان»، خویشاوندان فرد است؛ اما ظاهراً اطلاق این واژه قابل اعتنا نیست و خویشاوندان اعم از نسبی و سببی را هنگامی شامل می‌شود که از اقربای نزدیک محسوب شوند (ر.ک. میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۵۰).

از نظر کیفیت تهدید، ضررهای یادشده در ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵ باید معتنا به باشند. به تعبیر دقیق‌تر، در این رابطه یک ضابطه عینی^{۵۰} ملاک است. این امر بدان معنا است که اگر با توجه به قضاوت افراد متعارف جامعه، ضرر مورد تهدید چندان قابل توجه نباشد، تحقق جرم زیر سؤال می‌رود^{۵۱}. همچنین، به نظر می‌رسد که توانایی اجرای تهدید از سوی مرتکب حائز اهمیت است، بدین معنا که لازم است متهم بتواند آنچه را بدان تهدید می‌کند، به موقع اجرا گذارد (برای دیدن نظر مخالف ر.ک. زراعت، ۱۳۸۴: ۳۲۲). در غیر این صورت، با توجه به ضابطه پیش گفته، جرم محقق نمی‌شود؛ هرچند که میزان تهدید قابل اعتنا باشد. علت این مطلب آن است که هرچند میزان ضرر قابل اغماض نیست، اما از آنجاکه قابلیت بالقوه اجرای تهدید از سوی مرتکب منتفی است، مخاطب را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. برای تشخیص این قابلیت، در نظر گرفتن توأمان ویژگی‌های فردی مرتکب و نوع ضرری که بدان تهدید شده است، راهگشا خواهد بود.

اما در حقوق انگلستان، برای تحقق جرم اخاذی شرط است که تقاضای مطرح‌شده

«غیرموجه»^{۵۲} محسوب شود. به تعبیر دیگر، زمانی که فردی تقاضای توأم با تهدید را، به‌عنوان رفتار فیزیکی جرم اخاذی، به انجام می‌رساند، لازم است که این تقاضا توجیه‌ناپذیر باشد. با این توضیح، می‌توان برداشت کرد که تقاضاهای توأم با تهدید موجهی^{۵۳} هم وجود دارند، مانند تقاضای بازپرداخت وجوهی پول با ارباب به پیگیری قانونی موضوع. این نوع تقاضاها جرم اخاذی را محقق نخواهند ساخت (See Heaton, 2006: 376).

با نظر به بند ۱ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸، در رابطه با تشخیص موجه یا غیرموجه بودن تقاضاها، معیاری شخصی (یا ذهنی)^{۵۴} مدنظر قرار می‌گیرد، بدین معنا که، موضوع یادشده با توجه به باور متهم در زمان طرح آن بررسی می‌شود. در این راستا، سؤالی که می‌توان طرح کرد، این است که آیا متهم واقعاً باور داشته که دلایل معقولی را دارا بوده و وسایل مناسبی برای مطرح کردن تقاضایش مورد استفاده قرار داده است یا خیر؟ در پرتو پاسخ به این سؤال می‌توان ضابطه پیش‌گفته را احراز کرد. بنابراین، این موضوع که درواقع دلایل معقولی را دارا بوده یا وسایل مورد استفاده در حقیقت مناسب بوده‌اند یا خیر، از اهمیت برخوردار نیست، بلکه وضعیت ذهنی متهم به شرح گفته‌شده ملاک است (Heaton, 2006: 376; Herring, 2007: 329).

در رابطه با مطلب اشاره‌شده، می‌توان پرونده کمبرت به سال ۱۹۷۲^{۵۵} را مثال زد. شرح پرونده از این قرار است که متهم، بزه دیده را تهدید به افشای رابطه‌ی عاشقانه با همسرش [همسر متهم] کرد، مگر این‌که بزه دیده ۲۵۰ پوند به‌عنوان حق همسر متهم به او بپردازد. در این پرونده، هیئت‌منصفه^{۵۶} متهم را مبری از ارتکاب جرم اخاذی دانست (See Jefferson, 2009: 651).

همچنین، در پرونده هاروی به سال ۱۹۸۱^{۵۷}، دادگاه تجدیدنظر اعلام داشت که مناسب بودن [وسیله مورد استفاده] مفهوم گسترده‌تری نسبت به قانونی بودن دارد، و احراز این موضوع که آیا تهدید به کُشتن^{۵۸}، تجاوز جنسی^{۵۹} یا ایجاد نقص عضو^{۶۰} (درجایی که متهم علم به جرم بودن این موارد ندارد)، وسیله مناسبی برای تحکیم بخشیدن به تقاضای مطرح‌شده خواهد بود یا خیر، بر عهده هیئت‌منصفه است؛ همان‌طور که این سؤال که آیا متهم باور داشته دلایل معقولی دارد یا خیر، به عهده

هیئت مزبور است. دادگاه به این مطلب هم اشاره کرد که زمانی که متهم علم به جرم بودن تقاضای خود دارد، نمی‌تواند از معافیت یادشده برخوردار شود. البته باید توجه داشت که رفتار متهم در مواردی می‌تواند دفاع تلقی شود که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی، پذیرفته شده تلقی گردد. به دیگر سخن، اگر متهم تصور کند که وسایل مورد استفاده مناسب هستند، اما در عین حال بداند که عموم مردم آن را نامناسب^{۶۱} محسوب می‌کنند، تقاضا موجه نخواهد بود (Jefferson, 2009: 651; Heaton, 2006: 376; Law & Martin, 2011: 62).

مطلبی که باید متذکر آن شد این است که نباید از حکم مقرر شده در پرونده هاروی به سال ۱۹۸۱ نتیجه گرفت که هر آنچه به آن تهدید شود و جرم نباشد، به معنای آن است که وسیله مناسبی تلقی می‌شود؛ چه بسا رفتار متهم جرم نباشد، اما وسیله نامناسبی برای تقاضای مطرح شده قلمداد شود. بر این اساس، صرفاً زمانی که متهم باور داشته باشد که عموم مردم، رفتار او را مجاز می‌دانند، تقاضای او موجه خواهد بود.

۶. عنصر روانی^{۶۲} جرم اخاذی

برای محکومیت فردی به جرم اخاذی، افزون بر عنصر مادی جرم، لازم است عنصر روانی آن نیز احراز گردد. عنصر روانی که باید همزمان با عنصر مادی محقق شود، غالباً از دو جزء سوءنیت عام^{۶۳} و سوءنیت خاص^{۶۴} تشکیل می‌شود. جزء اول به معنای عمد در ارتکاب رفتار فیزیکی جرم است، که لازمه آن علم و آگاهی مرتکب نسبت به ماهیت رفتار است، و جزء دوم به معنای قصد نتیجه است. بر این اساس، در رابطه با جرایم مطلق که تحقق آن‌ها منوط به نتیجه مجرمانه نیست، سوءنیت خاص ضروری قلمداد نمی‌شود.

با توجه به توضیحات یادشده، باید دانست که در نظام حقوقی ایران، سوءنیت عام جرم اخاذی لازم است بدین شکل نمود یابد که مرتکب، رفتار فیزیکی جرم، یعنی تقاضای توأم با تهدید، را عامدانه انجام دهد، و به وصف عمل خودآگاه باشد. از سوی دیگر، با مطلق تلقی کردن جرم اخاذی، یک دیدگاه این است که سوءنیت خاصی در

مرتکب لازم نخواهد بود، اما دیدگاه دیگر قائل به آن است که تحقق یا عدم تحقق نتیجه به عنصر مادی جرم برمی‌گردد، درحالی که سوءنیت خاص، جزئی از عنصر روانی جرم است، در نتیجه، ضرورت داشتن سوءنیت خاص با عدم لزوم تحقق نتیجه قابل جمع است، و نمی‌توان به استناد مطلق بودن یک جرم، وجود سوءنیت خاص را در آن لزوماً منتفی دانست (ر.ک. میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۵۳۷). با پذیرش این دیدگاه، سوءنیت خاص این جرم عبارت از آن خواهد بود که مرتکب، از انجام عامدانه عمل مذکور، قصد رسیدن به تقاضای خود را داشته باشد. البته، این که مرتکب عملاً به خواسته خود برسد یا خیر، اهمیتی ندارد، بلکه صرف داشتن قصد خاص به شرح پیش گفته کفایت می‌کند. بدیهی است شرط دانستن سوءنیت خاص، اثبات جرم را دشوارتر می‌سازد. بنابراین، به نظر می‌رسد، جز در مواردی که عبارت‌های عنصر قانونی جرم مربوطه مؤید این امر است (از جمله ر.ک. ماده ۶۹۸ «ق.ت» ۱۳۷۵، راجع به جرم نشر اکاذیب)، سوءنیت خاص داشتن مرتکب ضروری نباشد.

در مقابل، در نظام حقوقی انگلستان نیز سوءنیت عام اخاذی بایستی بدین صورت جلوه کند که مرتکب در مطرح کردن تقاضای غیرموجه توأم با تهدید عامد باشد. اما با توجه به بند ۱ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸، سوءنیت خاص لازم در این جرم، عبارت است از: «قصد کسب سود برای خود یا دیگری یا قصد ایراد ضرر به دیگری»^{۶۵}. سود و ضرری که در اینجا ملاک قرار گرفته است، با توجه به قسمت «الف» بند ۲ ماده ۳۴ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۶۶}، محدود به وجه نقد^{۶۷} یا سایر اموال^{۶۸} است (Also See Baird, 2009: 214; Elliott & Quinn, 2010: 220). بنابراین، هنگامی که موضوع تقاضای توأم با تهدید فرد، انجام زنا یا محسن (یا محصنه)^{۶۹} یا واگذار کردن حضانت یک کودک^{۷۰} باشد، متقاضی، مرتکب جرم اخاذی نشده است (Card, 2006: 455).

البته، باید توجه داشت که انگیزه تحصیل نفع اقتصادی یا ایراد ضرر اقتصادی از سوی متهم ضروری نیست. در همین راستا، پرونده بوانز به سال ۱۹۸۸^{۷۱} قابل توجه است. در این پرونده، مردی که از درد شدیدی رنج می‌برد، پزشکی را تهدید کرد که اگر به او مرفین^{۷۲} تزریق نکند، وی را مورد اصابت گلوله قرار می‌دهد. مرد به جرم

اخاذی محکوم می‌شود. علت این حکم را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که دارویی که پزشک تحت تأثیر تهدید استفاده کرده بود، مال محسوب می‌شد. به تعبیر دیگر، هرچند داروی تقاضا شده برای رهایی از درد است، اما دستاورد، نوعی منفعت و سود است که نباید بدین طریق تحصیل می‌شد؛ لذا جرم اخاذی محقق شده است (See Jefferson, 2009: 650).

به هر حال، طبق قسمت «الف» بند ۲ ماده ۳۴ قانون سرقت ۱۹۶۸، سود یا ضرر مربوط، اعم از این‌که حالت موقت^{۷۳} داشته باشد یا دائم^{۷۴}، تفاوتی نداشته و در هر دو صورت، موجبات تحقق جرم اخاذی را فراهم می‌آورد.

۷. مجازات جرم اخاذی

پس از اینکه ارتکاب جرم اخاذی از سوی متهم به اثبات رسید، در صورت عدم وجود مانعی برای اعمال مجازات، مرجع قضایی، نوع و میزان مجازات مرتکب را با توجه به قانون، در حکم خود قید می‌کند. از این‌رو، در این بند، مجازات جرم اخاذی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان بررسی می‌شود:

در ایران، مجازات مقرر شده برای جرم اخاذی با توجه به ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵، عبارت است از شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال. استفاده از واژه «یا» در میان دو نوع مجازات، دلالت بر آن دارد که قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن مجموع شرایط مربوط به پرونده، آن نوع مجازاتی را که مناسب تشخیص می‌دهد، مورد حکم قرار دهد. همچنین، از آنجاکه قانون‌گذار در مورد شلاق، حداکثر و در مورد حبس، حداقل و حداکثر را تعیین کرده است، قاضی پرونده تا اندازه زیادی در تعیین میزان مجازات مختار است.

واژه «زندان» که در این ماده بکار رفته است، بیشتر یادآور مکانی است که محکومین در آنجا نگهداری می‌شوند؛ نه نوعی از مجازات سلب آزادی^{۷۵}. بر این اساس، در مواردی که منظور نوع مجازات است، استفاده از واژه «حبس» مناسب است، که خود باعث هماهنگی با سایر مواد قانونی نیز می‌گردد.

در انگلستان، با امعان نظر به بند ۳ ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۶۶}، نوع مجازات مرتکب جرم اخاذی، حبس است؛ که حداکثر میزان این مجازات عبارت است از ۱۴ سال. در واقع، قانون‌گذار انگلیسی با ذکر جمله «از ۱۴ سال تجاوز نخواهد کرد»^{۶۷} در بند یادشده، به تعیین حداکثر مجازات جرم اکتفا کرده و حداقلی را برای آن در نظر نگرفته است. بر این اساس، مرجع قضایی با بررسی اوضاع و احوال پرونده، از جمله شرایط بزه‌کار، ممکن است مجازاتی کمتر از ۱۴ سال را برای وی لحاظ کند، زیرا جمله مزبور به معنای مجاز دانستن تعیین مجازاتی کمتر از حداکثر مربوطه است.

۸. وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی

مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در مورد جرم اخاذی را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان
الف. عنصر قانونی
در حقوق انگلستان، عنوان مجرمانه اخاذی و عنصر قانونی آن صراحتاً و به‌طور مستقل مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، اما در حقوق ایران، این وضعیت حاکم نبوده و صرفاً با توجه به مفهوم اخاذی، می‌توان ماده قانونی‌ای را برای آن جستجو کرد. همین امر می‌تواند موجب اختلاف‌نظر در مورد عنصر قانونی این جرم شود.
ب. عنصر مادی
۱. رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم اخاذی در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، عبارت است از: «مطرح کردن تقاضا توأم با تهدید». این موضوع حاکی از آن است که اخاذی در هر دو نظام حقوقی، جرمی مرکب به شمار می‌آید.
۲. چگونگی طرح تقاضا و تهدید، چه در حقوق ایران و چه در حقوق انگلستان، دارای اهمیت نبوده و می‌تواند به طرق مختلفی، مثلاً شفاهی یا کتبی، صورت گیرد. همچنین، نوع فعل یا ترک فعل مورد تقاضا درخور توجه نیست، و در هر حال، جرم اخاذی را

محقق می‌سازد.

۳. در نظام حقوقی انگلستان، «غیرموجه بودن» تقاضا شرط تحقق جرم است؛ و تقاضای موجه این جرم را محقق نمی‌سازد. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، این امر شرط نشده است. باین وجود، باید قائل به آن شد که ناموجه بودن (یا غیر مشروع بودن) تقاضا در ماهیت جرم اخاذی نهفته است؛ لذا این مورد، در حقوق ایران نیز شرط تحقق جرم اخاذی به شمار می‌آید.

۴. در صورتی که موضوع تهدید با توجه به قضاوت افراد متعارف جامعه معتنا به باشد، هر چند تأثیری بر مخاطب نگذارد، با اعمال یک ضابطه عینی، جرم اخاذی در هر دو نظام حقوقی محقق می‌گردد. علاوه بر این، توانایی اجرای تهدید از سوی مرتکب نیز ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت، با توجه به ضابطه پیش‌گفته، تحقق جرم زیر سؤال می‌رود. البته در حقوق انگلستان، تهدید در صورتی که بزه دیده را متأثر سازد و متهم به این تأثیر احتمالی آگاه باشد، بازهم جرم اخاذی را محقق می‌سازد؛ حتی اگر دارای آن چنان شدتی نباشد.

۵. قانون‌گذار ایران، مصادیق تهدید را به‌طور حصری معین کرده است، این در حالی است که قانون‌گذار انگلیسی از واژه عام تهدید استفاده کرده، که خود دلالت دارد بر این که قلمرو تهدید در این نظام حقوقی گسترده‌تر است و محدود به مصادیق معینی نیست.

۶. در هر دو نظام حقوقی مورد بحث، اجابت شدن خواسته مرتکب شرط تحقق جرم نبوده و به‌صرف مطرح کردن تقاضای توأم با تهدید، جرم محقق می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، جرم اخاذی را باید از جرایم مطلق به شمار آورد که در آن حصول نتیجه از رفتار فیزیکی جرم شرط نیست.

ج. عنصر روانی

عنصر روانی جرم اخاذی در انگلستان، علاوه بر سوءنیت عام، سوءنیت خاص را نیز دارا است. این جزء از عنصر روانی در حقوق انگلستان عبارت است از: «قصد کسب سود برای خود یا دیگری و یا قصد ایراد ضرر به دیگری». در حقوق ایران هم با

پذیرش دیدگاه مربوط به قابل جمع بودن عدم لزوم تحقق نتیجه مجرمانه از یکسو و ضروری بودن سوءنیت خاص از سوی دیگر، سوءنیت خاص این جرم، «قصد دست یافتن به خواسته مطرح شده» است. اما در صورتی که این دیدگاه را به موارد معینی محدود کنیم، باید گفت که با توجه به مطلق بودن جرم اخاذی، سوءنیت خاص در آن متصور نیست.

د. مجازات

مجازات جرم اخاذی در حقوق انگلستان، محدود به حبس شده است و میزان آن عبارت است از حداکثر ۱۴ سال. اما در حقوق ایران، علاوه بر حبس، مجازات شلاق نیز مدنظر قرار گرفته است. میزان مجازات یادشده در نظام حقوقی اخیر، برابر است با ۲ ماه تا ۲ سال حبس یا شلاق تا ۷۴ ضربه.

۹. نتیجه و پیشنهاد

اخاذی به معنای تقاضایی غالباً مالی، همراه با تهدید جانی، بدنی، عرضی و... است. سیر جرم انگاری این عمل در نظام حقوقی ایران از ماده ۲۳۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ آغاز شده است، و در حال حاضر، ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، جرم اخاذی را هم در بر می گیرد. به علت غلبه جنبه مالی این جرم، اخاذی در حقوق انگلستان زیرمجموعه قانون سرقت ۱۹۶۸ قرار گرفته است. با مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می شوند:

• در نظر گرفتن ماده قانونی مستقلی برای جرم اخاذی:

همان طور که قانون گذار انگلیسی، جرم اخاذی را مستقل از جرایم دیگر، در قالب ماده قانونی معینی آورده است، به نظر می رسد که تبعیت از این شیوه از سوی قانون گذار ایران نیز مناسب باشد. آنچه می تواند اتخاذ چنین رویکردی را ضروری قلمداد کند، این است که قانون گذار می تواند شرایط خاص جرم اخاذی را در ماده قانونی مربوط منعکس کرده، و بدین وسیله، از بروز اختلاف نظرها، و یا احتمالاً آراء ناهماهنگ، جلوگیری کند. در این صورت، امکان مقابله مؤثرتر با جرم اخاذی نیز فراهم

می‌شود؛ ضمن این‌که از ایجاد هرگونه مفری در قانون مجازات کشور ممانعت به عمل می‌آید.

• **گسترش دادن قلمرو موضوعی تهدید:**

اگر قانون‌گذار ایران، با الهام از حقوق انگلستان، تهدید را به‌صورت عام در عنصر قانونی جرم اخاذی ذکر کند و آن را از حالت حصری فعلی خارج سازد، مطلوب‌تر به نظر می‌آید. در این راستا، استفاده از قیود «مانند»، «از جمله» و نظایر آن، در ماده قانونی مربوطه راهگشا است. ظاهراً دلیل عمده وضعیت کنونی، همانا عدم استقلال عنصر قانونی جرم اخاذی است. به‌عبارت‌دیگر، نظر به این‌که ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵، علاوه بر اخاذی، جرم تهدید را نیز شامل می‌شود، قانون‌گذار تنها به برخی از مصادیق تهدید (به نحو حصری) که حائز اهمیت هستند و می‌توانند جرم تهدید را محقق سازند، اشاره کرده است.

• **تفکیک قائل شدن میان افراد عادی و مأمورین یا کارکنان دولتی:**

از آنجاکه اعضای هر جامعه‌ای نسبت به مأمورین و کارمندان دولتی اعتماد بیشتری دارند و دولت هم متمایل به داشتن افرادی صدیق و درستکار است، در مواردی که کارمند یا مأمور دولتی با سوءاستفاده از موقعیت خود، مرتکب جرم می‌شود، ضروری است که مجازات شدیدتری در مقایسه با افراد عادی متحمل شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که تمایز میان مرتکبین جرم اخاذی و تعیین مجازات متناسب بر این مبنا، لازمه یک سیاست کیفری سنجیده باشد. قانون‌گذار در رابطه با دسته خاصی از مأمورین دولتی، این امر را لحاظ کرده است (ر.ک. ماده ۱۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، راجع به اخاذی از سوی فرد نظامی)؛ اما پیشنهاد مزبور، از یک طرف، ناظر به اعمال این تفکیک در خود قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است و از طرف دیگر، مربوط به کلیه مأمورین دولتی است، نه فقط دسته خاصی از آن‌ها تحت عنوان نظامیان.

• **تعیین مجازات متناسب با توجه به موضوع تهدید و نوع و میزان تقاضای مرتکب:**

با توجه به این که از یک طرف موضوع تهدید (مانند قتل، ضرر مالی و...) و از طرف دیگر، نوع و میزان تقاضای مطرح شده از سوی مرتکب (مانند تقاضای وجه) در وضعیت بزه دیده تأثیر قابل توجهی داشته و حسب مورد، ذهنیت او را مشوش تر می‌کند، ضروری است که میزان مجازات جرم با موارد یادشده رابطه معناداری داشته باشد. در صورت پذیرش این پیشنهاد، طبقه‌بندی کردن تهدیدات و نیز تقاضاهای مطرح شده، حسب مورد در دسته‌های موضوعی و مقادیر معینی، قابل توجیه است.

البته، قانون‌گذار با تعیین دو نوع مجازات (شلاق و حبس) و با پیش‌بینی حداقل و حداکثر برای آن‌ها، تا حدی به این مسئله توجه کرده است. با این حال، با توجه به این که این امر در اختیار مراجع رسیدگی کننده است، و امکان دارد در یک مورد کاملاً مشابه، تصمیم‌های متفاوتی از سوی آن‌ها اتخاذ گردد، به نظر می‌آید که منعکس کردن موارد پیش‌گفته در عنصر قانونی جرم اخاذی، با توجه به اهمیت این جرم، ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

1. Theft Act 1968.
2. Blackmail or Extortion.
3. Robbery; See S 8 (1) of the Theft Act 1968.
4. For example, sending letters threatening to murder; See S 16 of the Offences against the Person Act 1861.
۵. بر همین اساس، صحت این نظر که ماده ۶۶۹ «ق.ت» ۱۳۷۵ صرفاً عنصر قانونی جرم تهدید محسوب می‌شود و برای جرم اخاذی باید به ماده ۶۶۸ «ق.ت» ۱۳۷۵ استناد کرد (ر.ک. زراعت، ۱۳۸۴: ۳۱۷)، مورد تردید است؛ به این دلیل که قلمرو ماده ۶۶۸ محدود به نوشته، سند، امضاء و مهر شده است و رفتار فیزیکی جرم، با جبر و قهر نیز محقق می‌شود. از این رو، باید گفت که عنوان مجرمانه ماده ۶۶۸ عبارت است از: «أخذ نوشته، سند، امضاء یا مهر به وسیله تهدید یا جبر»، نه اخاذی.
۶. لازم به ذکر است که وجوه افتراق یادشده، لزوماً اختصاص به نظام حقوقی ایران ندارند. به تعبیر دیگر، ذکر برخی از مواد قانونی، صرفاً از جهت اشاره به عنصر قانونی عنوان مجرمانه مربوطه در این نظام حقوقی است. بر این اساس، با توجه به مشابهت عناصر جرم اخاذی و سایر عناوین مشابه در ایران و انگلستان، همین تفاوت‌ها در مورد نظام حقوقی انگلستان نیز صادق است (برای مطالعه برخی از عناوین مشابه در حقوق کیفری انگلستان، ر.ک. هرینگ، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۰۵؛ کراس، ۱۳۹۳: ۳۰۶-۲۸۶).

۷. ماده ۲۳۵ مقرر می‌داشت: «هرگاه کسی کتباً با امضاء یا بدون امضاء شخصی را تهدید به قتل کند و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید، به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد؛ و اگر تقاضای وجه یا مال یا انجام امری ننماید به حداقل مجازات مزبور محکوم می‌شود. هرگاه کسی به وسائل مزبوره شخصی را تهدید کند به ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشاء سری یا نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف است و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید، به حبس تأدیبی از یک ماه الی شش ماه محکوم می‌شود و در صورت عدم تقاضا محکوم به حداقل مجازات مزبور خواهد شد.»

۸. در ماده ۱۱۳ چنین مقرر شده بود: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحوه تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی و آبرویی یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از آنکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده باشد یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان تا دو سال محکوم خواهد شد.»

9. Common Law; Also termed Case Law; For Further Reading See Slapper & Kelly, 2010: 112; Elliott and Quinn, 2009: 12.

10. Defects of the common law; See Keenan, 2007: 8 to 11.

۱۱. لازم به ذکر است که در مقررات مدون نظام حقوقی انگلستان، از حرف S مخفف واژه Section به معنای بخش استفاده می‌شود، با این وجود، می‌توان معادل آن را «ماده» در نظر گرفت.

12. S 8 of the Theft Act 1968.

13. Theft (Amendment) Act 1996; See <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/62/contents>.

14. Legal element.

15. Principle of legality of crimes and punishments.

1. S 21 (1) of the Theft Act 1968.

2. A Person is guilty of blackmail if, with a view to gain for himself or another or with intent to cause loss to another, he makes any unwarranted demand with menaces; and for this purpose a demand with menaces is unwarranted unless the person making it does so in the belief__ a) that he has reasonable grounds for making the demand; and b) that the use of the menaces is a proper means of reinforcing the demand.

18. Actus reus; Also termed physical element.

19. Physical conduct.

20. Surrounding circumstances.

21. Result.

22. Causal link.

23. Action crimes.

24. Result crimes.

25. Compound Offence.

26. S 21 (1) of the Theft Act 1968.

27. A demand with menaces.

28. Tone of voice.

29. Physical gestures.
 30. Offer.
 31. Demand.
 32. Unpleasant consequences.
 33. By letter.
 34. Treacy v DPP (Director of public prosecutions) [1971].
 35. The House of Lords.
 36. Illiterate.
 37. Faxes.
 38. Telexes.
 39. The nature of the act or omission demanded is immaterial.
 40. Lawrence and Pomroy [1971].
 41. Garwood [1987].
 42. Clear [1968].
 43. An ordinary person of normal stability.
 44. Unusual susceptibility on the victim's part.
 45. Detrimental.
 46. Unpleasant.
 47. Throne v Motor Trade Association [1937].
 48. S 21 (2) of the Theft Act 1968.
۴۹. معیار این ضابطه، یک شخص متعارف (Reasonable person) است که حسب مورد، عکس‌العمل یا قضاوت او، در جایگاه فرد مربوطه بررسی می‌شود.
50. Objective Test.
۵۱. با توجه به همین ضابطه است که می‌توان گفت، تهدید نسبت به خویشاوندان دور، مؤثر در مقام نیست؛ زیرا عرف چنین تهدیداتی را قابل اغماض تلقی می‌کند.
52. Unwarranted.
 53. Justifiable demands with menaces.
 54. Subjective Test.
 55. Lambert [1972].
 56. Jury.
 57. Harvey [1981].
 58. Kill.
 59. Rape.
 60. Maim.
 61. Improper.
 62. Mens rea; sometimes called mental element.
 63. General Intent.
 64. Specific Intent.
 65. "With a view to gain for himself or another or with intent to cause loss to another".
 66. S 34 (2) (a) of the Theft Act 1968.
 67. Money.
 68. Other property.

69. Adultery.
 70. Surrender the custody of a child.
 71. Bevans [1988].
 72. Morphine.
 73. Temporary.
 74. Permanent.
 ۷۵. در زبان انگلیسی وقتی از مکان نگهداری محکومین به مجازات حبس صحبت می‌شود، واژه «Prison» به کار می‌رود، اما زمانی که نوع مجازات (حبس) مدنظر است، از واژه «Imprisonment» استفاده می‌شود.
 76. S 21 (3) of the Theft Act 1968.
 77. Not exceeding fourteen years.

منابع

الف. فارسی

- آقایی نیا، حسین، (۱۳۸۵)، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران: نشر میزان.
- انوری، حسن و دیگران، (۱۳۸۸)، فرهنگ فشرده سخن، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سخن.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۲)، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات - ۳)، تهران: انتشارات ققنوس.
- _____، (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی (۱)؛ جرایم علیه اشخاص، تهران: انتشارات فکرسازان.
- شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: نشر مهاجر.
- کراس، نوئل (۱۳۹۳)، درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویلز، ترجمه امیر اعتمادی، تهران: انتشارات مجد.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۸)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد.
- میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
- هرینگ، جانانان، (۱۳۹۲)، مبانی حقوق کیفری انگلستان، ترجمه امیر اعتمادی، تهران:

انتشارات جنگل.

ب. لاتین

- Ashworth, Andrew, (2009), **Principles of Criminal Law**, Sixth Edition, New York: Oxford University Press.
- Baird, Norman, (2010), **Criminal Law (2009- 2010; Questions & Answers Series)**, Seventh Edition, London: Routledge-Cavendish.
- Card, Richard, (2006), **Criminal Law**, Seventeenth Edition, New York: Oxford University Press.
- Childs, Penny, (2005), **Criminal Law (Nutcases)**, Fourth Edition, London: Sweet & Maxwell.
- Keenan, Denis, (2007), **Smith & Keenan's English Law; Text and Cases**, Fifteenth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Elliott, Catherine & Quinn, Frances, (2010), **Criminal Law**, Eighth Edition, London: Pearson Education Limited.
- _____, (2009), **English Legal System**, Tenth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Ellis Wild, Susan, (2006), **Webster's New World Law Dictionary**, New York: Wiley Publishing, Inc.
- Garner, Bryan A. et al; (2009), **Black's Law Dictionary**, Ninth Edition, New York: West Publishing Co.
- Heaton, Russell, (2006), **Criminal Law**, Second Edition, New York: Oxford University Press.
- Herring, Jonathan, (2007), **Criminal Law**, Fifth Edition, London: Palgrave Macmillan.
- _____, (2010), **Criminal Law Statutes 2009- 2010**, First Published, London: Routledge.
- [Http://www.legislation.gov.uk/](http://www.legislation.gov.uk/)
- Jefferson, Michael, (2009), **Criminal Law**, Ninth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Law, Jonathan and Martin, Elizabeth A., (2011), **A Dictionary of Law**, Seventh Edition, New York: Oxford University Press.
- Molan, Mike, (2008), **Cases & Materials on Criminal Law**, Fourth Edition, London: Routledge-Cavendish.
- Slapper, Gary and Kelly, David, (2010), **The English Legal System**, Eleventh edition, London: Routledge.